همراه با پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ بودم که به زباله‌دانی قومی رفت و درحالی‌که ایستاده بود، ادرار کرد

از حُذَیفه ـ رضی الله عنه ـ روایت است که گفت: همراه با پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ بودم که به زباله‌دانی قومی رفت و درحالی‌که ایستاده بود، ادرار کرد، پس من خود را دور گرفتم که ایشان فرمود: «ادْنُهْ»: «نزدیک شو»؛ پس به او نزدیک شدم تا جایی که در پشت پاهای ایشان بودم، پس ایشان وضو گرفت و بر پاپوش خود مسح کرد.

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

حُذیفة بن یمان ـ رضی الله عنهما ـ خبر می‌دهد که همراه پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ بوده است که ایشان قصد ادرار کردن نمودند، پس وارد زباله‌دانی قومی شدند؛ یعنی جایی که مردم زباله‌ها و خاک‌هایی را که از خانه‌های خود جارو می‌کنند آنجا می‌ریزند، پس درحالی‌که ایستاده است ادرار می‌کند، هرچند اغلب عادت ایشان آن بود که نشسته ادرار می‌کردند. در این وضعیت حُذیفه خود را دور می‌گیرد، اما پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به او می‌فرماید: نزدیک شو؛ پس حذیفه به او نزدیک می‌شود تا آنکه پشت پاهای ایشان می‌ایستد؛ تا آنکه همچون پوششی برای پیامبر باشد که کسی پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ را در این حالت نبیند. سپس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ وضو می‌گیرد و وقتی نوبت به شستن پاها می‌رسد به مسح بر موزۀ خود اکتفا می‌کند. موزه نوعی پاپوش است که از چرم نازک و مانند آن ساخته می‌شود و کعبین یعنی دو استخوان برجسته‌ی دو طرف پا را می‌پوشاند. ایشان موزۀ خود را بیرون نیاوردند و بر آن مسح کردند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3075